

یادداشت

بازتعریف نقش جهانی واشنگتن و رقابت قدرت‌های بزرگ



محسن شریف‌خدائی

تحلیلگر روابط بین الملل

انتشار سند راهبردی امنیت ملی جدید ایالات متحده در دسامبر ۲۰۲۵ را باید یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در سیاست خارجی این کشور در نظر داشت. این سند نه‌تنها بازتابی از شعار دیرینه «اول آمریکا» از سوی ترامپ است، بلکه نشان‌دهنده تغییر بنیادین در نگاه واشنگتن به جهان پس از جنگ سرد محسوب می‌شود. اهمیت این سند در آن است که برای نخستین‌بار به طور هم‌زمان بر بازدارندگی سخت، تمرکز بر منافع ملی مستقیم آمریکا و کاهش مداخله‌گری گسترده واشنگتن تأکید دارد و درعین‌حال تصویری جدید از جایگاه قدرت‌های بزرگ، رقبا و متحدان ارائه می‌دهد. درواقع این سند نقشه راهی است برای بازتعریف نقش جهانی آمریکا؛ قدرتی که دیگر نمی‌خواهد بار رهبری جهان را به طور مستقیم به دوش بکشد، بلکه می‌خواهد در رقابت مستقیم با قدرت‌های بزرگ جایگاه خود را تثبیت کند. در این سند، چین به عنوان تنها قدرتی معرفی شده که توانایی تغییر نظم جهانی را به نفع خود دارد. این نگاه نشان‌دهنده آن است که واشگتن رقابت با پکن را نه یک بحران مقطعی، بلکه یک چالش ساختاری و بلندمدت می‌بیند. آمریکا بر رقابت در حوزه‌های هوش مصنوعی، نیمه‌هادی‌ها، انرژی پاک و زنجیره‌های تأمین تأکید دارد. انرژی‌های پاک نه از منظر محیط‌زیستی، بلکه به عنوان عرصه‌ای راهبردی برای رقابت با چین مطرح شده‌اند. و حضور گسترده در آسیا-پاسفیک را برای بازدارندگی در برابر چین، به‌ویژه در دریای جنوبی چین و تایوان ضروری می‌داند. همکاری با متحدان منطقه‌ای مانند ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و هند نیز بخشی از این راهبرد است. این سند چین را تهدیدی بلندمدت می‌بیند،رواهبرد آمریکا با پکن بر رقابت همه‌جانبه و بازدارندگی پایدار،تمرکز است. روسیه در سند جدید امنیت ملی، به عنوان قدرتی معرفی شده که با استفاده از قدرت نظامی و جنگ ترکیبی، امنیت اروپا را به چالش می‌کشد. تقویت ناتو و حضور نظامی آمریکا در اروپای شرقی برای جلوگیری از تجاوزات بیشتر، کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه و اعمال تحریم‌های گسترده و مقابله با حملات سایبری و عملیات اطلاعاتی، از جمله محورهای اصلی راهبرد در قبال مسکو به شمار می‌روند. در این سند، روسیه تهدیدی فوری تعریف شده است، اما نه بلندمدت؛ آمریکا مسکو را قدرتی رو به افول می‌بیند که باید مهار شود تا نظم اروپا حفظ شود. اروپا همچنان متحد کلیدی آمریکا باقی مانده است، اما سند تأکید دارد کشورهای اروپایی باید سهم بیشتری در هزینه‌های دفاعی ناتو بپردازند. واشنگتن دیگر حاضر نیست بار اصلی امنیت اروپا را به دوش بکشد و انتظار دارد اروپا مسئولیت بیشتری برعهده گیرد. کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه و تقویت منابع جایگزین نیز بخشی از این راهبرد است. اروپا دیگر «محور» سیاست اصلی امنیتی آمریکا نیست، بلکه شریکی امنیتی است که باید بار بیشتری بر دوش گیرد. در سایر مناطق، آمریکا حضور گزینشی دارد. در خاورمیانه تمرکز بر مهار تهدیدهای تروریستی و جلوگیری از سلطه ایران بر منابع انرژی است. سند به عملیات «جنگش نیمه‌شب» اشاره دارد که بنا بر ادعای دولت ترامپ در ژوئن ۲۰۲۵، توانسته طرفی هسته‌ای ایران را نابود کند. همین موضوع باعث شده ایران در سند جدید به عنوان تهدیدی «بسیار تضعیف‌شده» معرفی شود. برخلاف گذشته که سیاست مقابله با فشار همه‌جانبه مطرح بود، سند جدید تأکید دارد آمریکا فقط مانع سلطه ایران بر منابع انرژی و مسیرهای حیاتی خواهد شد و قصد ورود به جنگ‌های بی‌پایان را ندارد. همچنین سند به توافق آتش‌بس در غزه و بازگشت گروگان‌ها اشاره می‌کند و آن را بخشی از معماری جدید امنیتی منطقه می‌داند که نقش ایران در آن کاهش یافته است. تمرکز سند بر آفریقا محدود است و فقط در صورت تهدید مستقیم به منافع آمریکا یا نفوذ چین و روسیه این حوزه اهمیت می‌یابد. در آمریکای لاتین نیز مقابله با نفوذ خارجی، به‌ویژه حضور روزافزون چین و تمرکز بر کنترل مهاجرت و قاچاق مواد مخدر در اولویت قرار دارند. راهبرد جدید امنیت ملی آمریکا را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد: نخست، تمرکز بر منافع ملی مستقیم؛ آمریکا فقط زمانی وارد بحران‌های جهانی می‌شود که تهدیدی فوری علیه امنیت یا اقتصاد وجود داشته باشد. این رویکرد نشان‌دهنده فاصله‌گرفتن از سیاست «ملت‌سازی» و «جنگ جهانی بی‌پایان است. دوم، بازدارندگی از طریق قدرت؛ افزایش توان نظامی و اقتصادی، همراه با بازتنظیم حضور نیروها در مناطق حساس، به‌ویژه نیم‌کره غربی و آسیا-پاسفیک، محور اصلی سند است. سوم، پیوند امنیت با اقتصاد و جامعه؛ در سند جدید امنیت ملی آمریکا، امنیت فقط به معنای قدرت نظامی نیست. این سند تأکید می‌کند امنیت پایدار آمریکا به مجموعه‌ای از عوامل غیرنظامی نیز وابسته است؛ از جمله پویایی جمعیت، انسجام فرهنگی و موفقیت اقتصادی شرکت‌های بزرگ آمریکایی. به‌همین دلیل به «نرخ تولد» اشاره شده است؛ زیرا جمعیت فعال و رو به رشد می‌تواند نیروی کار بیشتر، بازار داخلی بزرگ‌تر و توان دفاعی بالاتری برای کشور فراهم کند. کاهش نرخ تولد در بلندمدت به معنای کاهش ظرفیت اقتصادی و نظامی است و می‌تواند جایگاه آمریکا را در رقابت جهانی تضعیف کند. از سوی دیگر، سند امنیت ملی موفقیت شرکت‌های آمریکایی را بخشی از امنیت ملی می‌داند. این شرکت‌ها نه‌تنها موتور محرک اقتصاد داخلی هستند، بلکه حضور و نفوذ جهانی آنها به آمریکا قدرت رقابتی می‌دهد. وقتی شرکت‌های فناوری، انرژی یا صنایع دفاعی آمریکا در بازارهای جهانی پیش‌تاز باشند، این موفقیت اقتصادی به طور مستقیم به قدرت سیاسی و نظامی کشور تبدیل می‌شود. شکست یا عقب‌ماندن این شرکت‌ها در رقابت جهانی، به معنای کاهش توان آمریکا برای حفظ جایگاه خود در نظم بین‌المللی خواهد بود. به‌این‌ترتیب سند امنیت ملی جدید، امنیت را مفهومی چندبعدی می‌بیند: ترکیبی از قدرت نظامی، توان اقتصادی، پویایی جمعیت و انسجام فرهنگی. این نگاه نشان می‌دهد واشنگتن امنیت ملی را نه‌فقط در میدان‌های جنگ، بلکه در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، بازارهای جهانی و حتی در شاخ‌های جمعیتی جست‌وجو می‌کند. در نتیجه، راهبرد جدید امنیت ملی آمریکا بیش از هر چیز بازتابی از ملی‌گرایی عمل‌گرایانه است. آمریکا می‌خواهد همچنان قدرت برتر باقی بماند، اما نه با هزینه‌های سنگین مداخله‌گری جهانی، بلکه با تمرکز بر رقابت قدرت‌های بزرگ، بازدارندگی سخت و حمایت از اقتصاد داخلی. اولویت‌های سند را می‌توان چنین خلاصه کرد: چین به عنوان چالش بلندمدت و همه‌جانبه، روسیه به عنوان تهدید فوری و منطقه‌ای، اروپا به عنوان متحد مسئولیت‌پذیرتر، ایران و خاورمیانه به عنوان تهدید ثانویه که باید با اقدام محدود مهار شوند و آمریکای لاتین و دیگر مناطق به عنوان حوزه‌های ثانویه که فقط در صورت تهدید مستقیم با رقابت قدرت‌های بزرگ اهمیت می‌یابند. این سند نشان می‌دهد آمریکا در حال بازتعریف نقش جهانی خود است؛ قدرتی که با تمرکز بر منافع مستقیم و رقابت قدرت‌های بزرگ، جایگاه خود را در نظم نوین جهانی تثبیت می‌کند. اهمیت این سند در آن است که مسیر آینده سیاست خارجی آمریکا را نه براساس تعهدات گسترده جهانی، بلکه بر پایه ملی‌گرایی عمل‌گرایانه و رقابت قدرت‌های بزرگ بنا نه کرده است. نحوه اضافه‌شدن نام ایران در سند نشان می‌دهد واشنگتن ایران را دیگر تهدید درجه اول نمی‌داند، بلکه آن را قدرتی تضعیف‌شده معرفی می‌کند. تغییر جایگاه ایران در سند از این‌رو اهمیت دارد که نشان می‌دهد تمرکز اصلی آمریکا از خاورمیانه به رقابت‌های بزرگ‌تر با چین و روسیه متمرکز شده است. بنابراین سند جدید نه‌تنها اولویت‌های جهانی آمریکا را بازتعریف می‌کند، بلکه جایگاه ایران را نیز در معادلات امنیتی به سطحی پایین‌تر تنزل داده و آن را در چارچوب بازدارندگی محدودتری از سوی واشنگتن قرار داده است.

مالک مصدق؛ شبکه خبری بلومبرگ شامگاه چهارشنبه گزارش داد نیروهای آمریکایی یک نفتکش تحت تحریم را در نزدیکی سواحل ونزوئلا و در آب‌های دریای کارائیب توقیف کرده‌اند. این اقدام در شرایطی انجام شده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در هفته‌های اخیر لحن خود را علیه نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، به‌طور محسوسی تندتر کرده و حتی احتمال حمله زمینی به این کشور را به‌طور تلویحی رد نکرده است. در واکنش به این اقدام، وزارت امور خارجه ونزوئلا با صدور بیانیه‌ای رسمی، توقیف نفتکش حامل نفت این کشور را «زدی دریایی بین‌المللی» توصیف و آن را به‌شدت محکوم کرد. در این بیانیه آمده است اقدام آمریکا یک سرقت آشکار و نقض فاحش حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و نباید به عنوان حادثه‌ای منفرد تلقی شود، بلکه بخشی از سیاست تهاجمی و برنامه‌ریزی‌شده واشگتن علیه کاراکاس است. وزارت خارجه ونزوئلا تأکید کرد از این عملیات در چارچوب طرح عمادنه آمریکا برای تصاحب منابع انرژی ونزوئلا نجام شده و یادآور شد ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی سال ۲۰۲۴ نیز به‌صراحت درباره این هدف سخن گفته بود. کاراکاس این اقدامات یک جانبه را تهدیدی مستقیم علیه حاکمیت ملی و دارایی‌های ملت ونزوئلا دانسته و خواستار توقف فوری آنها شده است. همچنین بر حق انکار نشدنی خود برای اعمال کامل حاکمیت بر منابع طبیعی کشور تأکید کرده است. موضوع مهم‌تر اینجاست که کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، پس از توقیف یک نفتکش ونزوئلایی در نزدیکی سواحل این کشور، مدعی شد این کشتی به دلیل انتقال نفت در «بازار سیاه» به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران توقیف شده است. به نوشته ایرنا، کارولین لیویت روز پنجشنبه به وقت محلی اعلام کرد وزارت دادگستری آمریکا با دریافت حکم قانونی، دستور توقیف این نفتکش را صادر کرده؛ زیرا به ادعای واشنگتن، این کشتی بخشی از «ناوگان سایه» بوده که نفت تحریم‌شده ایران را جابه‌جا می‌کرده است. دونالد ترامپ نیز شامگاه چهارشنبه بدون ارائه توضیح حقوقی مشخص، از توقیف «بزرگ‌ترین نفتکش توقیف‌شده» در سواحل ونزوئلا خبر داد و صرفاً مدعی شد این اقدام «دلایل کاملاً موجه» داشته است. پی یامدی، دادستان کل آمریکا، با انتشار ویدئویی اعلام کرد افعی‌آی، گارد ساحلی و نهادهای امنیتی آمریکا، در حمایت وزارت دفاع، حکم توقیف نفتکشی را اجرا کرده‌اند که به گفته او برای حمل نفت تحریم‌شده از ونزوئلا و ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته است. کنش پاتل، رئیس افعی‌آی نیز ادعا کرد این عملیات با هدف مقابله با انتقال نفت تحریم‌شده در حمایت از «سازمان‌های تروریستی خارجی» انجام شده و هشدار داد آمریکا هرکجا لازم بدانند، در خشکی و

ناوگان آمریکا در دریای کارائیب

خاوه‌د کرد. سخنگوی کاخ سفید همچنین اعلام کرد دولت آمریکا قصد دارد نفت موجود در این نفتکش را مصادره کند. به گفته او، کشتی به یک بندر آمریکایی منتقل می‌شود و تیم‌های تحقیقاتی در حال جمع‌آوری مدارک و انجام مصاحبه با خدمه هستند. لیویت افزود واشگتن احتمال اقدامات مشابه در آینده را رد نمی‌کند و مدعی شد آمریکا اجازه نخواهد داد کشتی‌های تحریم‌شده با نفت «بازار سیاه» در دریاها تردد کنند. در عین حال، کاخ سفید نگرانی درباره تماس تلفنی اخیر میان رؤسای جمهور روسیه و ونزوئلا را رد کرد و گفت این موضوع موجب دغدغه ترامپ نشده است.

ادعاهای دیگر رسانه‌ها

در راستای ادعاهای مقامات آمریکایی، بلومبرگ در گزارشی مدعی شد تانکر فوق‌العاده بزرگی که اخیراً توسط نیروهای آمریکایی در نزدیکی سواحل ونزوئلا توقیف شده، سال‌ها به عنوان بخشی از «ناوگان سایه» در تجارت نفت تحت تحریم فعالیت داشته و برای مقامات آمریکایی به‌ویژه به دلیل نقش آن در جابه‌جایی نفت، ایران، شناخته‌شده بوده است. او افزود که این کشتی که اکنون با نام The Skipper شناخته می‌شود، در سال ۲۰۲۲ و در دوران فعالیت با نام قبلی Adisa به دلیل «حمل‌ونقل غیرقانونی نفت مرتبط با ایران» تحت تحریم آمریکا قرار گرفت. این تانکر تمامی ویژگی‌های



«شرق» از توقیف نفتکش در سواحل ونزوئلا، تشدید مناقشات نفتی و ارتباط دادن آن به ایران گزارش می‌دهد

کمین در کارائیب

کلاسیک ناوگان سایه را داراست؛ ازجمله استفاده از پرچم جعلی گویان، ساختار مالکیتی مبهم و عمری که به‌جای فعالیت در تجارت نفت، آن را مستعد خروج از ناوگان و انتقال به مراکز اوراق کشتی در جنوب آسیا می‌کند.

داده‌های ردیابی کشتی که توسط شرکت‌های Kpler و Vortexa گردآوری شده، نشان می‌دهد این تانکر در اوایل سال جاری میلادی دو بار عملیات انتقال نفت خام ایران به مقصد چین را در دریا انجام داده و سپس در ماه جاری برای بارگیری نفت ونزوئلا ظاهر شده است. این نخستین عملیات تأییدشده این کشتی در آب‌های ونزوئلا از سال ۲۰۲۳ به شمار می‌رود. مالک این نفتکش در پیگاه داده دریایی Equasis شرکتی با نام Triton Navigation Corp معرفی شده و مدیریت آن بر عهده Thomarose Global Ventures Ltd است که هر دو در نیجریه ثبت شده‌اند؛ بااین حال، این شرکت‌ها به درخواست‌ها برای ارائه توضیح پاسخی ن داده‌اند.

یک تانکر فوق‌العاده بزرگ (VLCC) قادر به حمل حدود دو میلیون بشکه نفت است و براساس داده‌های موجود، محموله این کشتی عمدتاً از نوع نفت سنگین Merey ونزوئلا بوده که معمولاً برای تولید قیر استفاده شده و مقصد اصلی آن بازار چین است. بلومبرگ در پایان گزارش خود می‌افزاید برآوردهای S&P Global نشان می‌دهد ناوگان سایه‌ای که از صادرات نفت ایران، ونزوئلا و روسیه پشتیبانی می‌کند، شامل حدود ۹۷۸ کشتی است و نزدیک به ۱۹ درصد از کل ناوگان جهانی تانکرهای نفتی را تشکیل می‌دهد.

واکنش تهران

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اقدام نیروی دریایی آمریکا در تعرض نظامی و توقیف یک فروند شناور تجاری حامل نفت ونزوئلا در نزدیکی سواحل این کشور را به‌شدت محکوم و آن را مصداق روشن «زدی دریایی دولتی» توصیف کرد. بقایی پنجشنبه‌شب، ۲۰ آذر ۱۴۰۴، تصریح کرد توقیف و تصرف شناورهای تجاری متعلق به دیگر کشورها از سوی آمریکا، بی‌اعتنایی آشکار به حقوق بین‌الملل و نقض فاحش اصول حاکم بر امنیت و ایمنی دریانوردی بین‌المللی است. او تأکید کرد استاد واشگتن به قوانین داخلی خود یا تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی برای توجیه چنین اقداماتی، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مایهت مجرمانه و غیرقانونی این «سرقت مسلحانه در دریا» را تغییر دهد. بقایی همچنین با هشدار نسبت به پیامدهای تداوم این رفتارهای زورمردانه، خاطرنشان کرد استمرار چنین اقدامات خطرناکی می‌تواند صلح، امنیت و تجارت بین‌المللی را به‌شدت تهدید کند و مسئولیت همه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی ذی‌صلاح را برای مقابله با این رویه‌ها و پاسخ‌گوکردن یادآور شد.

هم‌زمان سفارت جمهوری اسلامی ایران در کاراکاس نیز با صدور بیانیه‌ای رسمی، اقدام آمریکا در توقیف یک نفتکش ونزوئلایی در دریای کارائیب را به‌شدت محکوم کرد. در این بیانیه آمده است این اقدام بدون هیچ دلیل موجه و مبنای قانونی انجام شده و نقض آشکار قوانین و مقررات بین‌المللی، به‌ویژه اصل خدشه‌ناپذیر آزادی دریاه‌ا و دریانوردی به شمار می‌رود. سفارت ایران این اقدام را «زدی در دریای کارائیب» توصیف و تأکید کرد آمریکا با توسل به اقدامات نامشروع، نقض حاکمیت ملی کشورها، تجاوز به حقوق دیگران و ترویج نوعی آزارشیم در نظام بین‌الملل، در پی تحقق اهداف سیاسی خود است. در پایان این بیانیه، ضمن اعلام همبستگی کامل با دولت و ملت ونزوئلا در دفاع از حاکمیت ملی و حقوق مسلم خود، این اقدام مغایر با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل به‌طور قاطع محکوم شد.

واکنش سازمان ملل

فرحان حق، معاون سخنگوی سازمان ملل، در نشست خبری خود و در پاسخ به این پرسش که دبیرکل چه واکنشی به اعلام توقیف نفتکش ونزوئلایی از سوی آمریکا در میانه تشدید تنش‌های نظامی میان طرفین دارد، بیان کرد: «همان‌طور که می‌دانید، دبیرکل نگران هرگونه تنش فزاینده درباره ایالات متحده و ونزوئلا بوده و از این آخرین تحول نگران است. ما از همه بازیگران می‌خواهیم از اقداماتی که می‌تواند تنش‌های دوجانبه را افزایش دهد و ونزوئلا و منطقه را بی‌ثبات کند، خودداری کنند.» او همچنین خواستار پایدنی همه «به تعهدات خود ذیل منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل و سایر چارچوب‌های حقوقی قابل اجرا» شد. معاون سخنگوی دبیرکل سازمان ملل در پاسخ به اینکه چه کسی در این رویداد به منشور ملل متحد و قانون قابل اجرا پایبند نبوده است، خودداری کرد. فرحان حق در پاسخ به اینکه «آیا با توجه به یک‌جانبه‌بودن تحریم‌های

آمریکا، توقیف این نفتکش نقض حقوق بین‌الملل است؟»، پاسخ داد: «در این مرحله اطلاعات کافی برای تعیین قطعی قانونی‌بودن یا قطعی‌نبودن این عملیات خاص نداریم. آنچه ما می‌گوییم این است که می‌خواهیم از هر اقدام تشدیدکننده‌ای بپرهیزیم.»

این مقام سازمان ملل در ادامه در پاسخ به اینکه آیا آمریکا از سازمان ملل متحد برای انجام این کار دستور دارد، پاسخ داد: «ما مسلماً در زمینه مسائل مربوط به هر چیزی که یک معامله مجرمانه تلقی شود، همه کشورها را تشویق می‌کنیم که با دفتر سازمان ملل متحد در امور مواد مخدر و جرائم همکاری کنند. درباره این اقدام همان‌طور که گفتم، اطلاعات کافی درباره قانونی‌بودن آن نداریم. اما آنچه ما بر آن تأکید داریم، این است که همه کشورها از اقدامات تشدیدکننده بپرهیزند، خویشترداری به خرج دهند و به درخواست‌های ما برای گفت‌وگو و صلح توجه کنند.»

سلسله توقیف‌ها در راه است؟

خبرگزاری رویترز هم در گزارشی هشدار داده است بیش از ۳۰ نفتکش فعال در تجارت نفت ونزوئلا که تحت تحریم‌های ایالات متحده قرار دارند، ممکن است پس از توقیف یک ابرنفتکش حامل نفت خام ونزوئلا توسط گارد ساحلی آمریکا، در معرض اقدامات تنبیهی و مجازات‌های بیشتر قرار گیرند. این ارزیابی براساس داده‌های کشتریانی و تحرکات اخیر نفتکش‌ها در آب‌های ونزوئلا انجام شده است.

براساس این گزارش، توقیف ابرنفتکش یادشده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز چهارشنبه آن را اعلام کرد، نخستین توقیف شناخته‌شده محموله نفتی ونزوئلا از زمان اعمال تحریم‌های گسترده واشگتن علیه این کشور در سال ۲۰۱۹ به شمار می‌رود. این اقدام همچنین اولین اقدام عملی دولت ترامپ علیه نفتکش‌های مرتبط با ونزوئلا پس از دستور او برای افزایش در‌خور توجه حضور نظامی آمریکا در منطقه محسوب می‌شود.

این تحول در شرایطی رخ داده که ترامپ فشار سیاسی، اقتصادی و امنیتی بر دولت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا را تشدید کرده است. در نتیجه این اقدام، بسیاری از مالکان کشتی‌ها، ابرتورها و شرکت‌های حمل‌ونقل دریایی در وضعیت نامدابه‌اش قرار گرفته‌اند و برخی از آنها در حال بازنگری در تصمیم خود برای ادامه فعالیت در آب‌های ونزوئلا هستند. تحلیلگران معتقدند هدف قراردادن محموله‌های نفتی با منشأ ونزوئلا می‌تواند در کوتاهمدت باعث تأخیر در صادرات نفت این کشور شود و حتی برخی مالکان کشتی‌ها را به خروج کامل از این تجارت سوق دهد.

براساس داده‌های TankerTrackers.com، در روز چهارشنبه، بیش از ۸۰ نفتکش که بارگیری شده یا در انتظار بارگیری بودند، در آب‌های ونزوئلا یا نزدیکی سواحل آن حضور داشتند که بیش از ۳۰ فروند آنها تحت تحریم آمریکا بودند. در سطح جهانی، ناوگان سایه‌ای شامل بیش از هزارو ۴۰۰ نفتکش است که بخش بزرگی از آنها تحت تحریم‌های آمریکا، اروپا یا بریتانیا قرار دارند و عمدتاً نفت روسیه، ایران و ونزوئلا را به مقاصد آسیایی منتقل می‌کنند. با وجود این فشارها، صادرات نفت ونزوئلا در ماه نوامبر به بیش از ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافته و واردات نفتی مورد نیاز برای رقیق‌سازی نفت فوق‌سنگین این کشور نیز رشد چشمگیری داشته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد راهبرد ناوگان سایه‌ای تاکتون تا حدی در دوزیدن تحریم‌ها موفق بوده است.

فرحان حق، معاون سخنگوی سازمان ملل: «همان‌طور که می‌دانید، دبیرکل نگران هرگونه تنش فزاینده درباره ایالات متحده و ونزوئلا بوده و از این آخرین تحول نگران است. ما از همه بازیگران می‌خواهیم از اقداماتی که می‌تواند تنش‌های دوجانبه را افزایش دهد و ونزوئلا و منطقه را بی‌ثبات کند، خودداری کنند

یادداشت

بازی بزرگ با بازیگران جدید در جنوب آسیا

محمدحسین بنی‌اسدی

سرکنسول پیشین ایران در لاهور پاکستان و کارشناس مسائل شبه‌قاره بازی بزرگ به رقابت‌های سیاسی و نظامی دو امپراتوری بریتانیا و روسیه تزاری در آسیای مرکزی اطلاق می‌شود که در سده ۱۹ میلادی ادامه داشت و علاوه بر کشورهای واقع در آسیای مرکزی تأثیرات مستقیمی بر کشورهایمانند ایران، هند، بریتانیا و منطقه تبت نیز داشت. در این بازی بزرگ، افغانستان به یک منطقه حائل تبدیل شد. در بازی بزرگ دو امپراتوری قدرتمند وقت و آشنا به حکمرانی و تعهد، حالت نظارت و کنترل رفتارگرایی طرف مقابل داشتند و از طرف دیگر اجازه ورود دیگر کشورها را به این بازی نمی‌دادند. در دهه ۶۰ شمسی توفیقی حاصل شد که چند سالی در اروپای شرقی شاهد دوران کمونیست‌ها و تغییرات متعاقب آن باشیم. اواخر دهه ۶۰ شمسی زرمزه‌های فروپاشی نظام خودکامه کمونیستی به گوش می‌رسید. بلوک شرق به رهبری شوروی گرچه زمینه امنیت، آموزش، بهداشت و معیشت مردم را فراهم کرده بود و یک جامعه با مرام کمونیستی و توزیع امکانات برای همه را ایجاد کرده بود، ولی کرامت انسانی، اراده انسانی و آزادی احزاب و آزادی بیان را در پای حزب کمونیست به مسلخ کشیده و جامعه را به دو طبقه خودی و ناخودی تقسیم کرده بود. به یاد دارم رادیوهای یک موج ساخت شوروی توزیع شده بود که استفاده‌کننده فقط حق کم و زیاد کردن صدای آن را داشت که آن‌هم صدای حزب کمونیست بود، ولی مردم در حسرت رادیوهای چند موج و کالای لوکس غربی و برای به‌دست‌آوردن آن خود را به آب‌وآتش می‌زدند. تا زمانی که وضعیت معیشت خوب بود و از مسکو کمک می‌رسید و مردم نیز تن به فشارهای حزبی می‌دادند، احزاب کمونیست سرخوش از باده‌سنی باد و غیغب می‌انداختند و از پرولتاریا و جامعه‌هی طبقه سخن می‌راندند. ولی با درگیرشدن شوروی در مسابقه تسلیحاتی به‌ویژه پروژه جنگ ستارگان و در نتیجه کاهش وضع معیشت مردم و از سوی دیگر برای رسیدن به دموکراسی، رفته‌رفته نارضایتی‌های مردم سر باز کرد؛ تا جایی که صدای شگستن استخوان‌های خودکامه کمونیستی را به گوش مردم رسانید و نوید طبل سقوط دیکتاتورها را بر سر هر کوی و برزن به صدا درآورد. دراین‌میان اتاق‌های فکر در غرب که سال‌ها با روش‌های مختلف ازجمله محاصره، مسابقه تسلیحاتی، رقابت‌های شکننده نظامی و… در رؤیای فروپاشی نظام‌های خودکامه بلوک شرق به رهبری شوروی بودند، از زمینه نارضایتی مردم بهره بردند و سرانجام کمونیسم و نظام‌های خودکامه کمونیستی را به تاریخ سپردند. تنورسین‌های ضدکمونیست در غرب ایده‌های مختلف و راهکارهای گوناگونی برای فروپاشی امپراتوری شیطان (ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، شوروی را می‌کردند. گراهام فولر، استراتژیست و کارشناس سیاست، در این ایام اصطلاح کمربند تجزیه بر مبنای قومیت را مطرح کرد که این کمربند از اروپای شرقی و بلوک شرق و روسیه آغاز و پس از عبور از ترکیه و خاورمیانه و جنوب آسیا سرانجام به چین و هند ختم می‌شد، گذر ایده از گراهام فولر را تا حدود زیادی به واقعیت تبدیل کرد که مهم‌ترین آن فروپاشی شوروی و تبدیل آن به ۱۵ جمهوری کوچک و بزرگ است. به نظر می‌رسد غرب در رؤیای تجزیه و کوچک کردن بیشتر قدر‌آباد روسیه به عنوان جایگزین شوروی بود و تاکنون موفق نشده است. از سوی دیگر در اروپای شرقی نیز فروپاشی یوگسلاوی به طریقه قهرآمیز و خشونت‌بار و تجزیه جکسلاوی که روش صلح‌آمیز و مدنی، دستاورد دیگر تجزیه بلوک شرق بر مبنای قومیت‌گرایی بود. کمربند تجزیه گراهام فولر بعد از عبور از اروپا و مصون‌ماندن ترکیه، به یمن منصوبت در تاتو و متحد غرب بودن این کشور، سرزمین‌های سابق امپراتوری عثمانی به‌ویژه لبنان و سوریه و عراق را نیز بی‌نیصیب نگذاشت و درواقع به صورت دوقلتون این سه کشور را نیز بر مبنای قومیت تقسیم کرد.